



گفتگو با نریمان ایلخانی

انتظار از حسابرسان با شرایط موجود همخوانی ندارد

نیز مانند سایر اقتصادهای در حال توسعه این واقعیت وجود دارد که: ما می‌خواهیم مسیر توسعه ای را که در سایر کشورها در دوره ای بیش از ۱۰۰ سال گذرانده شده است، سریع طی کنیم. این علاقه برای طی مسیر توسعه در اولین فرصت و با ابتدایی‌ترین امکانات، فی‌نفسه ایرادی ندارد. اگر قرار نباشد ما از تجربیات دیگران بهره‌مند شویم یا همان مسیر طولانی را طی کنیم که دیگران طی کرده‌اند، این امر غیر عقلایی است. خوب است از آن تجربه بهره بگیریم تا مسیرمان کوتاهتر و سریعتر طی شود. اما گاه این کار قیمت بالایی پیدا می‌کند و گاه به این نتیجه ختم می‌شود: جا گذاردن چند پله باهم... نریمان ایلخانی، مدیر موسسه حسابرسی فراز مشاور، حسابرسی کهنه‌کار و عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران است. او در این گفتگو پیرامون محورهای سخن می‌گوید که دغدغه‌ی امروز حسابرسان است. او بر این باور است که برای آنکه جایگاه و نقش حسابرس در اقتصاد مشخص گردد لازم است ابتدا به این نکته توجه شود که حسابرسان با چه سازوکاری و تحت چه ضوابطی در این سمت به کار اشتغال دارند. با وی به گفتگو می‌نشینیم.

نریمان ایلخانی گفتگو را با طرح دو سوال آغاز می‌کند: برای آنکه جایگاه و نقش حسابرس در اقتصاد مشخص گردد لازم است ابتدا به این نکته توجه شود که حسابرسان با چه سازوکاری و تحت چه ضوابطی در این سمت به کار اشتغال دارند؟ آیا نقش و مسئولیتی که حسابرس دارد صرفاً در جایگاهی فراتر از وظایفی است که صرفاً در مقابل سهامداران شرکت مورد رسیدگی دارد؟ این جایگاه و نقش را باید قانون تجارت مشخص سازد بدین معنی که آیا قانون تجارت روابط خصوصی سهامداران و مدیران شرکت‌ها و غیره را تنظیم می‌کند و یا اینکه در کل اقتصاد جایگاه قانون تجارت تاثیر گذار است. البته اگر روابط خصوصی گروه‌های مذکور منسجم باشد برای اقتصاد هر کشوری مناسب و کارساز است معهداً اگر نقش قانون تجارت در کل اقتصاد دیده شود و آنگاه حسابرسان در این چهارچوب تعریف شود آنگاه جایگاه فراتری در کل اقتصاد پیدا می‌کند.

ایلخانی بر این باور است که در ایران

در ایران نیز مانند سایر اقتصادهای در حال توسعه واقعی‌ترین انکارناپذیر است: می‌خواهیم مسیر توسعه‌ای را که در سایر کشورها در دوره ای بیش از ۱۰۰ سال گذرانده شده است، سریع طی کنیم. این علاقه برای طی مسیر توسعه در اولین فرصت و با ابتدایی‌ترین امکانات، فی‌نفسه ایرادی ندارد. اگر قرار نباشد ما از تجربیات دیگران بهره‌مند شویم یا همان مسیر طولانی را طی کنیم که دیگران طی کرده‌اند، این امر غیر عقلایی است. خوب است از آن تجربه بهره بگیریم تا مسیرمان کوتاهتر و سریعتر طی شود. اما گاه این کار قیمت بالایی پیدا می‌کند و گاه به این نتیجه ختم می‌شود: جا گذاردن چند پله باهم... نریمان ایلخانی، مدیر موسسه حسابرسی فراز مشاور، حسابرسی کهنه‌کار و عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران است. او در این گفتگو پیرامون محورهای سخن می‌گوید که دغدغه‌ی امروز حسابرسان است. او بر این باور است که برای آنکه جایگاه و نقش حسابرس در اقتصاد مشخص گردد لازم است ابتدا به این نکته توجه شود که حسابرسان با چه سازوکاری و تحت چه ضوابطی در این سمت به کار اشتغال دارند. با وی به گفتگو می‌نشینیم.

وی با بیان اینکه قانون تجارت جایگاه حسابرس را مشخص کرده است و تعیین قانون تجارت عصر حاضر همان قانون تجارتی است که در سال ۱۳۴۸ به تصویب رسید، آن قانون هم مسیر قانونی و حقوقی را طی نکرد. مجلس سنای آن زمان، این قانون را به تصویب رساند، افزود: به واقع کمیته‌ی مشترک دو مجلس، به تصویب این قانون پرداختند. از آن زمان تاکنون هیچ بازنگری در قانون تجارت صورت نگرفته است و این مدت بسیار طولانی است. این عدم بازنگری یک حسن دارد و یک عیب: حسن این عدم بازنگری این است که شاید آن موقع آنقدر بر روی این قانون کار کردند که اکنون با گذشت ۴۰ سال از آن دوران، هنوز هیچ نیازی به تغییر و بررسی قانون وجود ندارد. شاید آنقدر این قانون جامع و کامل بود که حالا هم پس از گذشت این همه سال، هنوز این قانون کارایی و کارآمدی سابق را دارد و یا اینکه چون مسیر متداول تصویب قانون در مورد آن طی نشده این شانس را داشته که نظرات کارشناسان طراح آن کم‌تر مورد نقد قرار گیرد و به جامعیت و هماهنگی آن لطمه وارد نیامده و کارایی خود را توانسته تا کنون حفظ نماید. اما این نکته را هم نباید از یاد ببریم که برای ساختار اقتصاد کنونی کشور، این قانون، کارایی لازم را ندارد. به بسیاری از جنبه‌های مختلف فعالیتهای اجرایی این قانون پرداخته نشده است. در حالیکه در سایر کشورهای اروپایی هر یک دهه، قوانین مورد بازنگری و بررسی قرار می‌گیرند. قانون تجارت ما در مقام مقایسه پاسخگوی مشکلات و چالشهای فعلی نیست.

ایلخانی به عنوان نمونه و مشخص می‌توان به کشور انگلستان اشاره کرد: در انگلستان صورت‌های مالی شرکت‌های سهامی و به ثبت می‌رسند و قابل دسترسی برای عموم دارد. شما می‌توانید به سهولت اطلاعات مالی شرکت را مطالعه کنید. اساسنامه شرکت در دسترس است. حتی می‌توانید صورت‌های مالی ۱۰ سال پیش

شرکت را نیز مطالعه و بررسی کنید. در حالیکه در ایران، اگر شما قصد ثبت مصوبات شرکت را داشته باشید، هیچ نیازی به صورت‌های مالی آن موجود نیست و تنها مصوبات مجمع کفایت. وقتی صورت‌های مالی در جایی منعکس نمی‌شود، از دیدگاه ثبت شرکت‌ها و قوانین تجاری، نقش حسابرس واقعی نخواهد بود. یعنی رُل و نقش حسابرس، به عنوان کسی که برای عموم مردم کار می‌کند و به صورت‌های مالی اعتبار می‌بخشد، واقعی نیست. این رُل را طبق قوانین تجاری، بازی نمی‌کند بلکه برای مجمع شرکت‌ها یا وزارت امور اقتصادی و دارایی است که این رُل را بازی می‌کند و این امر اعتباربخشی به صورت‌های مالی شرکت را انجام می‌دهد. جنبه دیگر این که است که قوانین تجاری کشور ما نارساست. با گذشت بیش از ۸۰ سال، ابزارهای مالی جدیدی مطرح شده است. این درحالی که جایگاه این ابزارهای مالی در قوانین تجاری ما مشاهده نمی‌شود. در مقابل به برخی از مسایل پرداخته شده و برخی از مسایلی مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند که نیاز امروز حسابرسی و حسابداری نیست. بلکه مباحثی متروک به حساب می‌آید.

وی این نکته را هم می‌افزاید: شاید هنگام تصویب قانون تجارت و الحاقیه‌ی آن جایگاه حسابرسی بیشتر از این جنبه به آن پرداخته شده است که چون در سایر کشورها این امر وجود دارد در ایران هم لازم است باشد و هیچگونه چهارچوبی برای مانند کفایت و صلاحیت تجربه و تحصیلات مورد توجه قرار نگرفته باشد و همچنین به این مسئله پرداخته نشده که حسابرسی یک خدمات خصوصی برای صاحبان سرمایه ارائه می‌کند و یا برای کل اقتصاد نقش آفرینی دارد.

مثال دیگری به میان می‌آورد: فرض کنید در قوانین تجاری ما، معاملات آتی جایگاهی ندارد. در مقابل به اوراق تجاری چون سفته، چک و برات اهمیت زیادی

داده شده است. قوانین مربوط به این اوراق مورد بازنگری و تجدید نظر قرار گرفته است. از جایگاه و جنبه دیگر می‌بینیم که به حسابرس و حسابرسی اهمیت چندانی نمی‌دهند. یعنی آنکه تأیید می‌کند که حسابرسی شرکت به نوعی درست است یا تحت ضوابطی درست است. این درست بودن حسابهای شرکت یک مفهوم عام نیست. یک فرمول ریاضی نیست که به موجب آن، این حسابها وضعیت مناسب را نشان دهند. چون این بخش دقیقتر تعریف شده است، هم حسابرسی می‌تواند کارش مورد اعتراض قرار بگیرد و با ارائه گزارش، ریسک بالایی را بپذیرد. هم اینکه خواننده گزارش‌های حسابرسی و کسی که می‌خواهد از صورت‌های مالی شرکت بهره برداری کند، نمی‌تواند به دقت اطلاعات را مورد بازخوانی و اتکا قرار دهد. این سبب شده است که مشکلات متعددی برای حسابرسان و شاید از آن مهم‌تر برای افرادی که سهامدار شرکت هستند، پدید آید. مساله‌ای که می‌توان به آن توجه کرد این است که حسابرس اصولاً به گذشته شرکت می‌پردازد و خودش را متخصصی نمی‌داند که بتواند به پیش‌بینی آینده‌ی شرکت بپردازد. در صورتی که استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بیشتر آینده نگر هستند و آینده شرکت برای آنها اهمیت زیادی هم دارد. انتظار سهامداری که به مطالعه‌ی صورت‌های مالی شرکت می‌پردازد این است که با مطالعه گذشته‌ی شرکت، بتواند آینده‌ای را برای آن ترسیم کند. اگر سهامداری به صرف سهامدار بودن، انتظار سود معقولی داشته باشد که در آینده محقق شود، گزارش حسابرس برای او احتمالاً کاربردی نخواهد داشت.

در ادامه‌ی گفتگو ایلخانی از موضوع دیگری سخن می‌گوید: یک مساله دیگر این پیش فرض حسابرس است که شرکت‌ها در یک محیط اقتصادی بصورت تئوری آزاد فعالیت می‌کنند، جایگاه و نقشی می‌یابد. در صورتیکه اگر شرایط اقتصادی دستخوش دخالت دولت باشد، سبب

می‌شود که آن پیش فرض که شرکت‌ها از اساس در محیط اقتصادی آزاد فعالیت می‌کنند، نادرست باشد و تقریباً تمامی آن ضوابط حسابرسی ملزم به بازنگری باشند. مساله دیگر حائز اهمیت، عرف تجاری ما که در ایران است می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. اگر حسابرسی را بدون توجه به عرف تجاری در ایران، از سایر کشورها اقتباس کنیم، متوجه می‌شویم که سیستم حسابداری و بخصوص سیستم کنترل داخلی که موبد سلامت معاملات شرکت است از اساس، کارایی خود را از دست می‌دهد. لذا بسیاری از ضوابطی که در سایر کشورها به‌عنوان موبد صحت معاملات مطرح می‌شود، از اساس در ایران کارایی خود را از دست می‌دهد. به عنوان مثال فرض آنست که بازار قیمت‌ها تعیین می‌کند اگر این فرض اساسی برداشته شود و فرضاً قیمت‌ها با سازوکار دیگری تعیین شود آنگاه سیستم سهمیه بندی فروش می‌بایست مورد بررسی و دقت قرار گیرد در آن صورت لزوماً شرکت نباید به فکر به حداکثر رساندن سود خود باشد و باید به بیشتر نقش خود در فرایند کلی اقتصاد بنگرد.

می‌افزاید: اگر واردات کالا و مواد اولیه از طریق مبادی قانونی و سیستم بانکی امکان پذیر نباشد دیگر سازوکار کنترل قیمت و اخذ تأییدیه از طرفهای شناخته شده تجاری منتفی می‌شود. اگر یکی از وظائف بنگاههای اقتصادی کمک به حفظ سطح اشتغال بهر قیمتی باشد دیگر افزایش بهره‌وری پرسنل بی معنی می‌باشد و این جنبه از فعالیت اقتصادی شرکت از اساس زیر سوال است.

این عضو جامعه‌ی حسابداران رسمی از مساله‌ی دیگری نیز سخن می‌گوید و آن تورم است: در کشورهایی که از نرخ تورم بالایی رنج می‌برند، به این جمع بندی رسیده‌اند که صورت مالی تاریخی در شرایط تورمی، ارزش و اعتبار خود را از دست می‌دهند. اما در ایران حداقل

طی ۴۰ سال اخیر، اقتصاد دستخوش تورم قابل توجهی بوده است. مع هذا به جنبه‌های مختلف حسابداری تورمی، هیچگاه توجه لازم نشده است. این امر سبب شده است که سود شرکت‌ها بسیار بالاتر از سود واقعی گزارش شود. این سبب می‌شود که از یک سو مالیاتی که شرکت‌ها پرداخت می‌کنند بالاتر برود و از سوی دیگر سود سهام تقسیم شده بالاتر از امکانات نقدینگی شرکت باشد. به همین خاطر مشاهده می‌شود که شرکت‌ها سود دارند و تقسیم می‌کنند لیکن هنگام پرداخت متوجه می‌شوند منابع کافی برای این امر در اختیار ندارند.

در کنار این‌ها، نرخ تورم بالا سبب می‌شود اندوخته‌ی شرکت‌ها برای استهلاک پایین بیاید و مبلغ کم‌تری جهت استهلاک، ذخیره شود. همین کمبود استهلاک توان شرکت را برای بازسازی و نوسازی ماشین آلات و امکانات اقتصادی اولیه شرکت از بین می‌برد. جنبه‌ی دیگر این واقعیت است که شرکت‌هایی که بتوانند از امکانات سیستم بانکی بهره‌مند شوند، علیرغم نرخ سود بالایی که پرداخت می‌کنند، بعضاً این نرخ سود، پاسخگوی نرخ تورم نباشد. لذا شرکت‌ها با دریافت تسهیلات بانکی با نرخ‌های توجیهی منتفع می‌شوند. در مقابل صاحبان سرمایه که به سیستم بانکی اعتماد کرده‌اند و اندوخته خود را به امید بازدهی مناسب در اختیار گذارده، متضرر شوند. اینها را می‌توانیم به‌عنوان ویژگیهای متضادی که در سیستم اقتصادی ما عیان است، عنوان کنیم.

ریسک‌پذیری حسابرسان

موضوع دیگر گفتگوی ما با نریمان ایلخانی پیرامون ریسک‌پذیری حسابرسان بود. وی در این باره می‌گوید: اگر حسابرسان و گزارش‌های حسابرسی دستخوش بازخوانی بدون محدودیت قرار گیرند، درمی‌یابیم قوانین تجاری ما هیچ کجا ریسک گزارش‌های حسابرسی

را مشخص نکرده است. حسابرسان در مقابل ریسک متحمل شده، فاقد منابعی هستند که بتوانند این ریسک را جبران کنند. لذا اگر امکان بیمه‌ی ریسک نباشد، در عمل این فعالیت نیز با بن بست مواجه می‌شود. مگر آنکه به دقت عواملی که ریسک حسابرسان محسوب می‌شود، مشخص گردد و یا ریسک حسابرسان حداقل متناسب با این واقعیت باشد که اشخاص به گزارش‌های حسابرسی اتکا کرده‌اند متضرر شده‌اند یعنی اگر کسی به استناد گزارش حسابرسان، متحمل زیان مالی شده باشند، آنگاه انتظار جبران از حسابرسان خواهد داشت. در غیراین صورت و با فراهم آمدن امکان ادعا علیه حسابرسان در عمل، فعالیت حسابرسی را با چالش و محدودیت مواجه می‌کند. اگر شرکت‌های بیمه تمایلی نداشته باشند که ریسک حسابرسان را برآورد و بیمه کنند، شاید این حوزه توسط بیمه‌گرانی که وابسته به حرفه‌ی حسابرسان است، پوشش داده شود. این کار در مورد شرکت‌های کشتی‌رانی انجام می‌شود. مالکان کشتی‌ها و شرکت‌های کشتی‌رانی، به‌صورت مشترک موسسات بیمه‌ای را تاسیس کرده‌اند تا ریسک خود را پوشش دهند و به حداقل رسانند.

مدیر موسسه حسابرسی فراز مشاور با بیان اینکه شرکت‌ها و فعالان اقتصادی در یک محیط ملموس اقتصادی، فعالیت می‌کنند و حسابرسان فارغ از این محدوده‌ی اقتصادی نمی‌توانند انتظار داشته باشند که ضوابط خاصی توسط شرکت‌ها مورد توجه قرار بگیرند، خاطر نشان می‌کند: گاه ممکن است انتظاراتی که ضوابط حسابرسی و استانداردهای حسابداری دارد در محیطی همچون یک قصر شیشه‌ای به انجام می‌رسد که هیچ تطابقی با شرایط موجود اقتصادی ندارد. این سبب می‌شود که حسابرسان جایگاه منطقی در اقتصاد نداشته باشند و فعالیت آنان که می‌توانند برای گرداندگان اقتصاد بسیار



ارزشمند باشد، به صورت ملموس مورد توجه قرار نگیرد حسابرسان اگر بر اعمال برخی از استانداردهای حسابداری که جایگاهی در شرایط اقتصادی ما که بر جامعه ندارند، اصرار ورزند، این ممکن است باعث شود که نقش حسابرسی از یک عوامل موثر در سلامت فعالیت تجاری شرکت‌ها به یک نقش تشریفاتی تنزل یابد.

بازهم مثالی به میان می‌آورد: به عنوان مثال اگر براساس ضوابطی که در روابط اقتصادی بین فعالان اقتصادی وجود دارد، پاسخ دادند به تائید حسابرس با بی‌علاقگی همراه باشد اتکای بیش از حد به عدم دریافت تائیدیه در گزارش‌های حسابرسی باعث می‌شود که به اصل جایگاه حسابرس لطمه وارد شود. یعنی با تکیه بیش از حد حسابرس به عدم دریافت تائیدیه، ممکن است اصل جایگاه حسابرس تحت شعاع قرار گیرد و یک مسئله‌ی غیر اساسی دست‌آویزی برای اعمال برخی از نظرات غیراصولی شود.

هزینه شده. شرکت توان بازپس دادن اعتبارات اخذ شده را نیز دارد. بسیاری از دوباره‌کاری‌ها کاهش می‌یابد و با اتکا به گزارش حسابرسی می‌توان در بکارگیری نیروهای انسانی زیاد در دوایر دولتی ممانعت به عمل آورد.

همه‌ی این موارد زمانی محقق می‌شود که بتوان به گزارش‌های حسابرسی از جنبه‌های مختلف اعتماد داشت. در غیراین‌صورت اگر قرار باشد علاوه بر حسابرس، این دوایر دولتی نیز به شرکت مراجعه کنند، حسابرس جایگاه واقعی خود را از کف خواهد داد و بازهم به جایگاه تشریفاتی تنزل خواهد کرد.

برای تشخیص مالیات شرکت، بیمه تامین اجتماعی برای بیمه کارکنان، پرسنل بانکها برای حصول و اطمینان از استفاده‌ی صحیح اعتبارات بانکی به شرکت مراجعه داشته باشند و هر یک با هدف خاص خود به شرکت مراجعه کنند و دفاتر آنرا مورد بازنگری قرار دهند. این سبب می‌شود که یک نیروی انسانی عظیمی در این دوایر دولتی بکار گرفته شوند. در صورتیکه اگر مسئولیت حسابرس علاوه بر اعتباربخشی به صورت‌های مالی این باشد که اطمینان حاصل کنند که مالیات حقه به درستی محاسبه و پرداخت می‌شود، حق بیمه‌ی مناسب در موعد مقرر نیز پرداخت می‌گردد. اعتبارات بانکی به‌درستی

محور پایانی گفتگوی ما با مدیر موسسه حسابرسی فراز مشاور پیرامون حسابرسی مالیاتی بود. وی با اشاره به اینکه یکی از خدماتی که حسابرسان به‌طور تاریخی ارائه کرده‌اند، انجام امر حسابرسی مالیاتی است که در این راه اولاً حسابرسان برای وزارت دارایی نقش یاری‌رسان را ایفا می‌کنند و از سوی دیگر رابطی بین شرکت و وزارت دارایی قرار می‌گیرند که اگر این نقش را حسابرسان به خوبی ایفا نکنند و یا آنکه زمینه‌هایی فراهم شود که در تقابل بین محاسبات مالیاتی و حسابرسان، مشکلاتی ایجاد شود، تصریح می‌کند: اگر قرار باشد دوایر دولتی، خود